

روم نشسته آن شتر از جای خود بخت و مسجد در آمد و آن شخصی
در میان مردمان در زبیر شتر خود و بر زبیری مایه تا بگشت

و از حسین بن علی بن الحسین رضی الله عنهم روایت است که فرمود که
ابراهم بن شام المخزومی و ابی مدینه بود هر روز جمعه ما را نزد یک
بشیر جمع می کرد و در لیس المؤمنین علی رضی الله عندهی افتاد و ما را
میگفت در یکی از جمعات آن تمام از مردمان پر آورده بودند بنی هملوی بشیر
افتادم و در خواب شدم دیدم که قبر رسول صلی الله علیه و سلم
بشکافت و از آنجا رودی بیرون آمد جامهای سفید پر شده را گفت
ای ابو عبدالله ترا اندوختن نمی سازد آنچه این شخص می گوید

امیر المؤمنین حسن رضی الله عنه وی امام دوم است
از آنکه آنی عشر رضی الله عنهم کنیت وی ابو محمد است و لقب وی
تقی و سید ولد است وی در مدینه بود و در نبطه رصفان سنه
ثلث من الهجرة و جبرئیل علیه السلام نام ویرا بعد از پیش رسول
صلی الله علیه و سلم آورد بر قطعه از جگر بهشت نوشته و شبیه ترنی
مردمان بود بر رسول صلی الله علیه و سلم از سینه تا بفرق سر روزی
امیر المؤمنین ابو بکر رضی الله عنه امیر المؤمنین حسن را بر سر
بردوشن گرفته بود و سوگندی خورد که این شبیه بی است صلی الله علیه

بشیر جمع می کرد و در لیس المؤمنین علی رضی الله عندهی افتاد و ما را میگفت در یکی از جمعات آن تمام از مردمان پر آورده بودند بنی هملوی بشیر افتادم و در خواب شدم دیدم که قبر رسول صلی الله علیه و سلم بشکافت و از آنجا رودی بیرون آمد جامهای سفید پر شده را گفت ای ابو عبدالله ترا اندوختن نمی سازد آنچه این شخص می گوید

نرشیه علی و علی رضی الله عندهما ایضا بود و بتیمی نمود و
از وی آورد که بیت و بیخ حج پیاده گذارد و حال آنکه نجای ویرا
با وی کشیدند در حضرت که روزی رسول صلی الله علیه و سلم
بمنبر بر آمد و حسن بن علی رضی الله عنهما با وی بود کاسی بر دمان
نظری کرد و کاسی بسوی وی می گفت ای پسر من سیدت و زود
باشد که خدای تعالی اصلاح کند بواسطه وی میان دو گروه از مسلمانان
و این اشارت بآنست که معاویه بی دانت که امیر المؤمنین حسن
رضی الله عنه دشمن و اترین مردمانت رنقه را چون امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه شهید شد معاویه با امیر المؤمنین حسن رضی الله
در بر معاویه کرد و عهد بست بر آن که اگر مردان هادئه پیش آید خلیفه
امیر المؤمنین حسن باشد رضی الله عنه بعد از آن امیر المؤمنین
حسن رضی الله عنه خطبه خواند و گفت ای مردمان من همیشه بودم که
قد را کرده ای دشمن امروز معاویه را کردم و این کار را معاویه
گذارتم اگر حق وی بود بوی رسید و اگر حق من بود بوی بخشیدم
از جهت صلاح امت محمد صلی الله علیه و سلم و خدای تعالی ترا اولی
ساخت ای معاویه یا از برای خبری که دانسته است نزدیک تو
یا از برای تبری که دیده است در تو و آن ادوی لعنه الله علیه و سلم
و متاع الی عینی پس از منبر زود آمد یکی از حاضران مجلسی بوی
بوی کرد و گفت یا سئود و هو المسلمین یا معاویه بیعت کرد

اینه

نرشیه

نرشیه

Copyrighted material